

## غزل شماره ۲۳۱

گفتم غم تو دارم کفتا غمت سر آید  
گفتم که ماه من شو کفتا اگر بر آید

گفتم ز مهر و زان رسم وفا یا موز  
گفتا ز خوب رویان این کلا کمتر آید

گفتم که بر خیالت راه نظر بندم  
گفتا که شب رواست او از راه دیگر آید

گفتم که بوی زلفت کمرایه عالم کرد  
گفتا اگر بدانی هم اوت رهبر آید

گفتم خوشا هوایی که بادِ صبح خیزد  
گفتا خنک نسیمی که کویِ دلبر آید

گفتم که نوشِ لعلت مارا به آرزو کشت  
گفتا تو بنگی کن کاو بنده پرور آید

گفتم دلِ رحمت کی غمِ صلح دارد  
گفتا گوی با کس تا وقتِ آن در آید

کفتم زمانِ عشرت دیدی که چون سر آمد  
کفتا خموش حافظ کاین غصه هم سر آید

## تفسیر فال

دوران غم و اندوه دل تو ممکن است کوتاه به نظر برسد، اما این مدت زمان محدود، تجربه‌ای ارزشمند و عمیق را برای تو به ارمغان آورده است که اساس و پایه خوشبختی آینده‌ات را تشکیل می‌دهد. این غم‌ها نه تنها نشانه‌ای از ضعف نیستند، بلکه فرصتی هستند برای رشد و یادگیری که می‌توانند در راستای شناخت بهتر خود و دنیای پیرامونت معنادار باشند. تو در تلاش برای رهایی از این احساسات تلخ بسیار بی‌تابی می‌کنی و این بی‌تابی نشان‌دهنده‌ی عطش تو برای یافتن آرامش و شادمانی است. به یاد داشته باش که در چنین لحظاتی، بندگی خداوند بزرگ را انجام دهی؛ چرا که او همواره با رحمت و عنایتش در کنار بندگان خود است. خداوند متعال حاجت‌های تو را برآورده خواهد کرد، زیرا او بر همه چیز آگاه بوده و بر دل‌های انسان‌ها واقف است. بنابراین با ایمان به او، می‌توانی از تاریکی غم‌ها عبور کنی و به روشنایی خوشبختی دست یابی.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو و سلام دنیا](#)